

فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره هفدهم، تابستان ۱۳۸۹: ۲۲۸-۲۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱۲/۱۷

بررسی تبادل معنا در کتاب‌های درسی علوم انسانی: در چارچوب دستور نظام‌مند نقش‌گرایی هلیدی از منظر فرانشی بینافرادی* (رویکردی نقش‌گرا)

**
مریم اعلائی

فردوس آقاگلزاده

محمد دبیرمقدم

ارسلان گلفام

چکیده

هلیدی در دستور نقش‌گرایی نظام‌مند خود بر این باور است که هدف اصلی زبان انتقال معناست و به همین منظور گویشوران برای تبادل معنا متن را می‌سازند، یعنی در تعامل؛ تبادل اصوات، کلمات یا جملات مد نظر نیست بلکه آنچه اهمیت دارد رد و بدل کردن معناست. هدف از تدوین این مقاله بررسی کتاب‌های درسی علوم انسانی سازمان سمت در چارچوب دستور نظام‌مند هلیدی و به طور خاص فرانشی بینا فردی است. روشی که در این تحقیق به کار گرفته شد توصیفی-تحلیلی است. نتیجه بدست آمده بیانگر آن است که نویسندگان با استفاده از جملات خبری در بسامد بسیار بالا صرفاً به ارائه اطلاعات پرداخته و این امر موجب می‌شود تعامل دو سویه رخ ندهد و نویسندگان به هدف خود که همانا انتقال مفاهیم به طرف مقابل است نرسد.

واژه‌های کلیدی: کتاب‌های درسی علوم انسانی، دستور نظام‌مند نقش‌گرایی هلیدی، فرانشی بینافرادی، وجه، نهاد.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری مریم اعلائی است و که با حمایت مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی سمت صورت گرفته است.

** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری رشته زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس Malae1350@gmail.com

*** دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس Ferdows@yaho.com

**** استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی Dabirmoghaddam@yahoo.com

***** استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس Golfamar@yahoo.com

مقدمه

تحقیق در زمینه کتب درسی دانشگاهی به منظور بالا بردن سطح کیفی علمی دانشجویان از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا کیفیت کتاب‌های دانشگاهی به لحاظ انتقال مفاهیم در ارتقاء سطح علمی دانشجویان تأثیر بسزایی دارد. در این میان زبان‌شناس علاقه‌مند به مسائل تالیف کتب درسی از خود می‌پرسد "در کتاب‌های علوم انسانی (چاپ سمت) از چه روشی برای انتقال مفاهیم بهره گرفته شده است؟" "کارآمدی متون تدوین شده در این کتاب‌ها در انتقال مفاهیم چگونه است؟" با توجه به نظریه هلیدی چه روشی می‌توان برای تدوین کتب درسی ارائه کرد؟" به همین منظور سه کتاب از مجموعه کتاب‌های انتشارات سمت با توجه به ملاک‌های ذیل انتخاب شدند: تألیفی باشد، از سه حوزه مختلف باشد، بیش از سه بار چاپ شده باشد، آخرین چاپ آن از سال ۸۱ به بعد باشد و در زمره کتاب‌های پایه در حوزه مربوط باشد. بنابراین پیکره و جامعه آماری این تحقیق را این کتاب‌ها تشکیل می‌دهند: ۱- کلیات تربیت بدنی در مدارس (حوزه تربیت بدنی) چاپ چهارم ۱۳۸۱-۲- مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره (حوزه علوم تربیتی) چاپ پنجم ۱۳۸۵-۳- روانشناسی تفاوت‌های فردی (حوزه روانشناسی) چاپ دوم ۱۳۸۵. سپس تمام بندهای ۴۰ صفحه اول این کتاب‌های از منظر فرانش بینافردی در چارچوب دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی^۱ جدول‌بندی و مورد بررسی قرار گرفتند. پر واضح است آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد از گونه زبان مکتوب است.

پیشینه

صافی در رساله کارشناسی ارشد خود به بررسی فرانش بینافردی در زبان فارسی پرداخته است. وی قسمت عمده‌ای از تحقیق خود را صرف بررسی وجه در زبان فارسی کرده است و سعی کرده به مقایسه وجه فارسی با انگلیسی بپردازد. پیکره پژوهش وی زبان فارسی گفتاری است که از کتاب‌های نمایشنامه، فیلم‌نامه و داستان که حاوی گفتگوی مستقیم بین افراد مختلف‌اند، استخراج شده است. وی در پژوهش خود به این نتیجه می‌رسد که با وجود اختلاف ساختاری بین دو زبان انگلیسی و فارسی، به لحاظ

بینافردي بين آنها شباهت وجود دارد و گويشوران هر دو زبان، صرف نظر از ساختارهاي ويژه هر زبان، اصولي كلي و جهاني را در تعامل با يكديگر به كار مي‌گيرند و از زبان به‌عنوان ابزاري براي ايجاد و حفظ پيوندهاي اجتماعي با ديگران بهره مي‌جويند (صافي، ۱۳۷۹).

ميراحمدي نظام وجه را در زبان فارسي براساس چارچوب نقش‌گرايي نظام‌مند هليدي بررسي کرده است. پيکره پژوهش وي کتب نويسندگان معروف است نتيجه‌اي که وي به آنها دست يافته (ميراحمدي، ۱۳۸۳: ۱۱۳-۱۱۱) به شرح ذيل است:

وجه در زبان فارسي به دو گونه است: ۱) وجه با توجه به كالاي اطلاعات الف) خبري، ب) پرسشي ۲) وجه با توجه به كالاي اجناس و خدمات امري. وجه به طور كلي از دو عنصر تشكيل شده است: فاعل و زمان داري. فاعل يا آشكار است يا محذوف. فاعل آشكار يا اسم است يا ضمير و فاعل محذوف نيز همچون فاعل آشكار خود را در شناسه آشكار مي‌سازد. در زبان فارسي، زمان داري شامل عناصر وجه نمائي، قطبيت و زمان است. وجه نمائي به وسيله افعال وجهي يا افزوده‌هاي وجهي بارز مي‌شود. قطبيت علاوه بر قطب مثبت و منفي درجاتي را نيز شامل مي‌شود که افزوده وجهي آن را نمايان مي‌سازد. مهمترين عنصر سازنده زمان داري، زمان است. عناصر صوري سازنده زمان داري عبارتند از نشانه‌هاي زمان، صرف فعل معين، پيشوند فعلي، پي بند مفعولي و عنصر سببي ساز. زمان داري معمولاً با محمول در مي‌آميزد و پس از تفكيك عناصر فوق خود را آشكار مي‌سازد. وي همچنين بيان مي‌دارد که اين رويکرد به وجه، در امر آموزش زبان، ترجمه و زبان‌شناسي مقابله‌اي از اهميتي ويژه برخوردار است.

رضاخاني به بررسي مجموعه فارسي بياموزيم (آموزش زبان فارسي)، از منظر فرانش بينا فردي براساس چارچوب نظري هليدي پرداخته است نتيجه‌اي که وي در کار خود مي‌گيرد به شرح زير است:

بسامد ساخت پرسشي ۷/۱٪ است، بسامد ساخت امري ۵/۴٪ است، بسامد ساخت خبري ۸۵٪ است که به هيچ وجه قابل مقايسه با ساخت‌هاي ديگر نيست، بسامد ساخت منادايي ۱/۹٪ است، تعداد جملات منفي در مقايسه با جملات مثبت بسيار اندک و تنها ۹/۹٪ است، بسامد کاربرد محمول وجه نماد حدود ۲/۷٪ است (رضاخاني، ۱۳۸۵).

چارچوب نظری

هلیدی و متیسن^۱ معتقدند درک تجربه‌ها و ایجاد روابط اجتماعی، نقش‌های اصلی زبان در ارتباط با محیط اجتماعی هستند و بر همین اساس فرانش‌ها را مطرح می‌کند از جمله بینا فردی که در زیر به اختصار شرح داده می‌شود (هلیدی، متیسن، ۲۰۰۴: ۲۹).

فرانش بینا فردی^۲

به نظر هلیدی و متیسن هنگام کاربرد زبان همواره چیز دیگری هم اتفاق می‌افتد و آن تعامل است. یعنی همواره بر اساس تجارب اجتماعی و شخصی خود با اطرافیان ارتباط برقرار می‌کنیم، بدین طریق فرانش بینا فردی شکل می‌گیرد. در فرانش بینا فردی "بند به مثابه تبادل"^۳ تلقی می‌شود. به عبارتی بند از تعامل گوینده یا نویسنده با مخاطب شکل می‌گیرد. در این تعامل گوینده یا نویسنده و مخاطب هر یک نقش خاصی را ایفا می‌کنند (هلیدی الف، ۱۹۸۴؛ مارتین، ۱۹۹۲: فصل ۲). برای مثال گوینده در طرح یک سؤال نقش فردی را دارد که به دنبال کسب اطلاعات است و شنونده نقش فردی را دارد که اطلاعات خواسته شده را باید گزارش دهد، در نتیجه عمده ترین تعامل دو چیز است ارائه دادن و دریافت کردن (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۰۶-۱۰۷) بر این اساس آنچه در این فرانش مورد بررسی قرار می‌گیرد نحوه تعامل بین گوینده یا نویسنده با مخاطب است. برای مثال در طرح یک پرسش، گوینده نقش درخواست کننده اطلاعات و شنونده نقش ارائه دهنده اطلاعات را دارد. اگر از منظری بالاتر به این مسئله نگاه شود، می‌توان عمل‌های گفتار را به دو دسته تقسیم کرد: عرضه^۴ (ارائه دادن) و تقاضا^۵ (دریافت کردن). به همین دلیل عمل گفتار را تعامل^۶ می‌نامیم. تعامل یعنی موضوعی با هدفی خاص با دیگران در میان گذاشته شود. در امر تعامل حداقل دو فرد

1. Matthiessen
2. Interpersonal metafunction
3. Clouse as exchange
4. Giving
5. Demanding
6. Interaction

(نویسنده یا گوینده و مخاطب) و یا بیشتر دخیل هستند و طی آن اطلاعات یا کالا و خدمات بین آنها رد و بدل می‌شود. آنچه حائز اهمیت است این است که در امر تعامل نویسنده یا گوینده از چه ساز و کارهایی استفاده می‌کند تا مقصود اصلی خود را به مخاطب برساند. طبق نظر هلیدی و متیسن فرایند تعامل این مزیت را دارد که هر یک از طرفین فرصت دارند نوبت گرفته، نقش خود را در تعامل ایفا کنند و مثلاً نسبت به خبری از خود عکس العمل نشان دهند، به پرسشی پاسخ دهند و به پیشنهاد و یا امری جواب مثبت یا منفی دهند و بدین ترتیب مستقیماً درگیر موضوع شوند و نقش مکمل را برای یکدیگر ایفا کنند. از بر هم کنش این دو با عرضه و تقاضا، چهار وضعیت ایجاد می‌شود که هلیدی و متیسن (همان) آن را به صورت جدول زیر نشان داده است: (همان: ۱۰۷)

نوع تبادل		نقش در تبادل
الف) کالا و خدمات	ب) اطلاعات	
«پیشنهاد» Would you like this teapot?	«خبر» He is giving her the teapot.	الف) عرضه
«امر» .Give me that teapot	«پرسش» What is he giving her?	ب) تقاضا

جدول ۱: عرضه و تقاضا، اطلاعات و کالا یا خدمات

بر اساس این جدول وقتی تبادل نقش عرضه را به خود می‌گیرد مخاطب دعوت به دریافت آنها می‌شود، بنابراین چهارگونه اصلی از عملگرهای گفتار عبارتند از «پیشنهاد»^۱، «امر»^۲، «خبر»^۳ و «پرسش»^۴، که هر یک به تنهایی معنامندند: در پیشنهاد، کالا و خدمات عرضه می‌گردد، به عبارتی گوینده یا نویسنده به مخاطب خود

1. Offer
2. Command
3. Statement
4. Question

پیشنهادی می‌دهد سپس مخاطب نسبت به موضوع فکر می‌کند، تجزیه و تحلیل می‌کند و بر اساس آن جواب می‌دهد. مثال:

الف) من به شما پیشنهاد می‌دهم درس خود را ادامه دهید.

مخاطب با شنیدن این بند فکر می‌کند و سپس یکی از جواب می‌دهد:

- حتماً

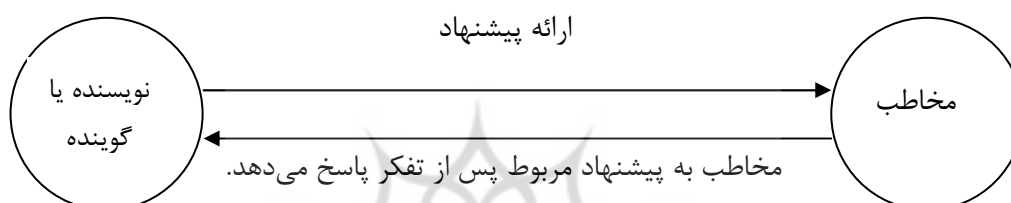
- اصلاً نمی‌توانم

- انشا الله

- درباره اش فکر می‌کنم

آنچه در اینجا رخ می‌دهد تعامل دو سویه است که می‌توان آن را به صورت زیر

نمایش داد:

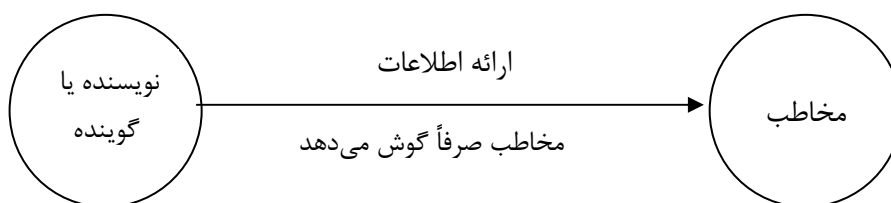


شکل ۱: تعامل در ارائه پیشنهاد

در خبر، اطلاعات صرفاً عرضه می‌گردد یعنی مخاطب صرفاً آنها را دریافت می‌کند بدون آنکه خود مستقیماً با موضوع درگیر و آنها را با منطق خود بررسی کند؛ در واقع جریان تعامل یک سویه و به همین دلیل در حداقل صورت پویایی خود است. به مثال زیر توجه کنید:

ب) انسان تنها موجودی است که با هم‌نوعان خود به تبادل نظر می‌پردازد و برای شناخت و حل مشکلات خود با آنان مشورت و مشاوره و از راهنمایی آنان استفاده می‌کند.

همانطور که ملاحظه می‌کنید صرفاً اطلاعات به صورت خبر بیان شده و منتظر پاسخی از جانب مخاطب نیستند؛ بنابراین جریان تعامل به صورت یک طرفه است و می‌توان آن را به صورت زیر نمایش داد:



شکل ۲: تعامل در ارائه اطلاعات

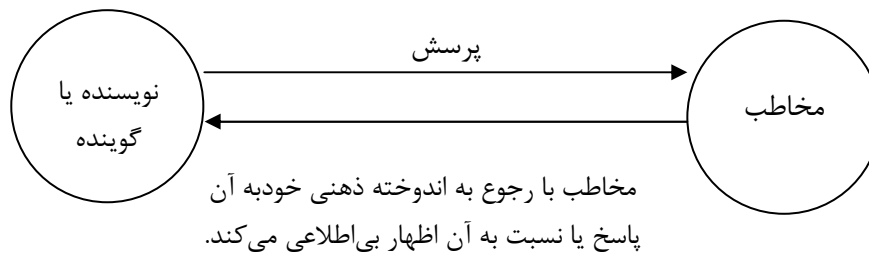
در امر، تقاضای کالا و خدمات صورت می‌گیرد در واقع نویسنده یا گوینده به مخاطب حکم می‌کند کاری را انجام دهد یا ندهد و مخاطب به‌عنوان کسی که به او امر شده مستقیماً وارد جریان تعامل می‌شود و می‌تواند پس از تحلیل خود آن را قبول یا رد کند. بنابراین جریان تعامل دو سویه است:



مخاطب نسبت به آن فکر و سپس آن را اجرا یا از آن سرپیچی می‌کند

شکل ۳: تعامل در امر

در پرسش تقاضای اطلاعات صورت می‌گیرد یعنی نویسنده یا گوینده با طرح سؤال از مخاطب خود می‌خواهد نسبت به سؤال؛ اطلاعات ارائه دهد و مخاطب نیز با رجوع به ذهن خود پاسخ آن را ارائه یا نسبت به آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. بنابراین در اینجا نیز جریان تعامل دو سویه، پویا و فعال است:



شکل ۴: تعامل در پرسش

همانطور که ملاحظه می‌کنید در بین این چهار نوع تعامل، ساخت خبری به لحاظ تعامل پویایی ندارد و بسامد بالای آن در متن نسبت به بقیه می‌تواند در دراز مدت در ایجاد تعامل اختلال ایجاد کند.

ساخت بینافردي از نظر هليدي از دو ساخت متمایز یعنی "وجه" و "مانده"^۲ تشکیل شده است. وجه، شامل نهاد و عنصر زماندار است، بقیه بند نیز مانده نامیده می‌شود که در این مقاله به فراخور کار صورت گرفته صرفاً به عنصر وجه پرداخته شد. همچنین باید گفت که بند، واحد تحلیل دستوری در دستور نقش‌گرای هلیدی است. انواع معناها و نقش‌ها و فرانش‌ها و انواع ساخت‌ها غالباً در سطح بند بررسی می‌شوند.

عنصر وجه

ساختار وجه

هلیدی و متیسن می‌گویند با نگاهی دقیق‌تر به پرسش‌ها و پاسخ‌های مرتبط پی می‌بریم که تفاوت آنها صرفاً در تغییرات دستوری است، تغییراتی که تنها در بخشی از بند حادث می‌شود نه همه آن (همان: ۱۱۱). برای مثال متن زیر را در نظر بگیرید:

ث) علی کتاب را به من داد، نداد؟ ... داد؟ ... نه نداد!

1. Mood
2. Residue

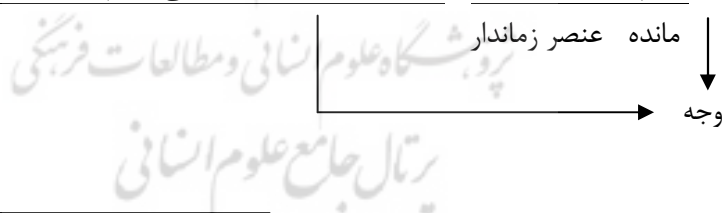
در این گفتمان یک جزء خاصی از بند، مبنا قرار می‌گیرد و بر اساس آن گفتگو پیش می‌رود و بقیه بند، کنار گذاشته می‌شود. در واقع تنها بخش کوچکی از بند، کلام اصلی و احساسات را بیان و پیش می‌برد. این بخش کوچک وجه نامیده می‌شود. نکته حائز اهمیت تفاوت وجه از منظر این دستور با وجه از منظر دستور سنتی فارسی است. از منظر این دستور وجه خود از دو بخش تشکیل شده است:

۱- نهاد^۱، یک گروه اسمی است، در واقع همان چیزی است که گزاره درباره آن است و با ارجاع به آن گزاره، می‌تواند تایید یا رد شود. نهاد در این تحلیل به گوینده، شنونده و غایب تقسیم می‌شود.

۲- عنصر زماندار^۲، بخشی از گروه فعلی است و به‌عنوان عنصرنقشی مطرح است. نقش عنصر زمان‌دار ایجاد محدوده زمانی برای گزاره است، به گونه‌ایی که آن را به عنصری در دسترس و قابل بحث تبدیل می‌کند. عنصر زماندار در زبان فارسی تشکیل شده از زمان + شناسه فاعلی که هر دو در فعل نمود می‌یابند. زمان شامل گذشته، حال، آینده است. شناسه فاعلی نیز شامل اول شخص (مفرد، جمع)، دوم شخص (مفرد، جمع)، سوم شخص (مفرد، جمع) است. بر این اساس در بند خبری بی‌نشان وجه عبارت است از فاعل و عنصر زماندار (که در فعل نمود می‌یابد). در واقع ترتیب و توالی وجه در زبان فارسی مانند زبان انگلیسی در پی هم نیست بلکه گسسته است. بنابراین بند زیر دارای وجه گسسته شامل نهاد "علی" و عنصر زماندار فعل "می‌کرد" یعنی زمان گذشته + شناسه فاعلی سوم شخص مفرد است. به مثال زیر توجه کنید:

(ج) علی با دقت مسائل را بررسی می‌کرد. ^(۱)

نهاد متمم (مفعول) محمول + زمان (گذشته) + شناسه فاعلی (سوم شخص مفرد). (بندخبری)



1. Subject
2. Finite

تحلیل داده‌ها

آنچه در این قسمت از نظر می‌گذرد تحلیل نویسندگان از کتاب‌های یاد شده است. برای نیل به این هدف ابتدا پیکره و جامعه آماری این تحقیق یعنی بندهای ۴۰ صفحه اول این سه کتاب انتخاب و جدول بندی شدند. آنچه در این جدول مد نظر قرار داشت نهاد، قطبیت، زمان و بالاخره نوع بند بود. البته هر یک از این موارد هم به زیر بخش‌هایی تقسیم شدند: نهاد به گوینده، شنونده و غایب؛ زمان به گذشته، حال و آینده؛ نوع بند به خبری، پرسشی، امری و پیشنهادی. مثال زیر نمونه‌ای از جدول بندی پیکره مورد نظر است:

نهاد			زمان			قطبیت		نوع بند		
گوینده	شنونده	غایب	گذشته	حال	آینده	مثبت	منفی	پیشنهادی	پرسشی	امری
-	-	+	+	-	-	-	-	-	-	-

روانشناسی تفاوت‌های فردی

نظریه تکاملی داروین
روانشناسی را به صورت مختلف
متأثر ساخت. Ø

جدول ۲: جدول تحلیل داده‌ها از منظر فرانش بینافردی

در این نمونه خط نشان دهنده وجه، بقیه بند مانده، تو پر نشان دهنده نهاد است. توضیح این نکته لازم است که منظور از قطبیت آن است که بند مثبت، منفی یا وجه‌نما است. بند مثبت به صورت مثبت بیان می‌شود و در آن نه علائم نفی وجود دارد و نه وجه‌نما. بند منفی به صورت منفی بیان می‌شود و در آن علائم نفی مانند نه، به هیچ وجه، پیشوند نفی وجود دارد. وجه نما یعنی بند نه به صورت مثبت بیان می‌شود و نه به صورت منفی، و وجود واژه‌هایی مانند "احتمالاً" در بند/احتمالاً/این هفته به دیدن شما می‌آیم، باعث می‌شود بند نه مثبت باشد و نه منفی و صراحت انجام آن مشخص نباشد. بر این اساس آمار بدست آمده از این سه کتاب به صورت جدول‌های جداگانه

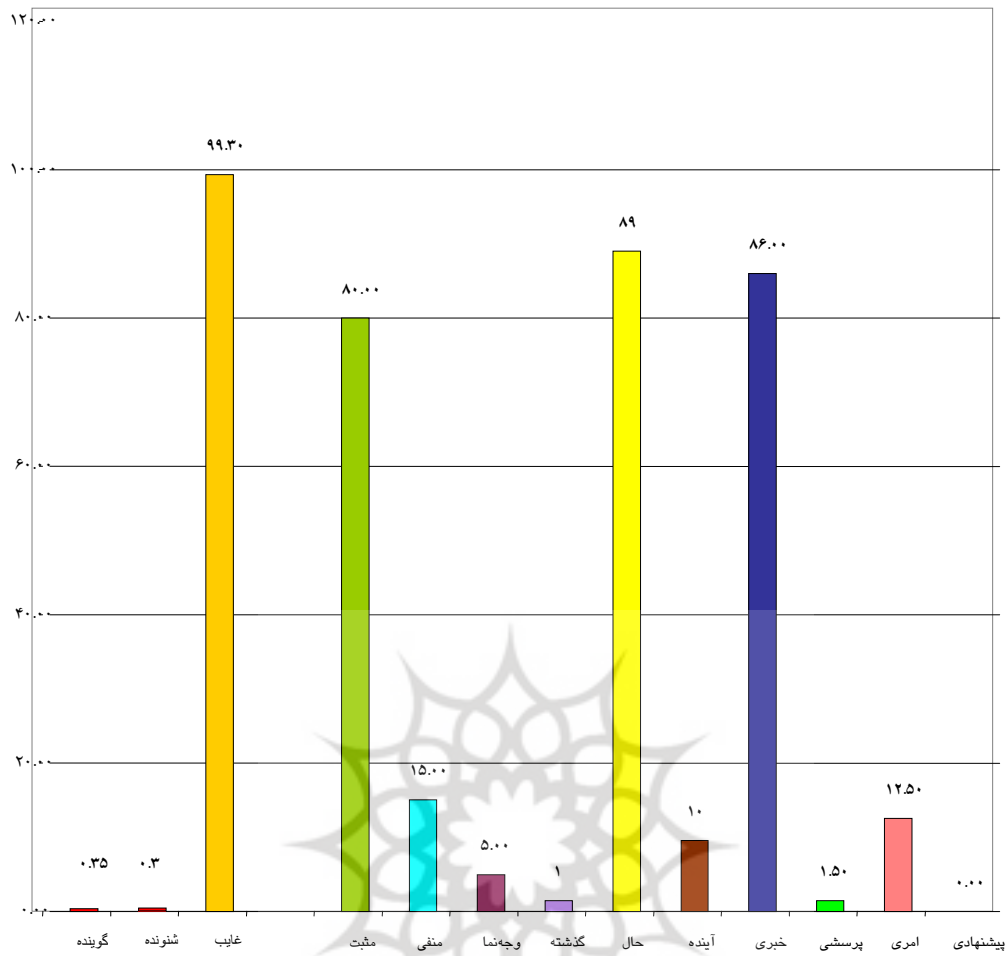
ارائه می‌گردد (همچنین باید گفت که درصد به دست آمده نسبت به کل پیکره است و تا حد ممکن گرد شده است):

کلیات تربیت بدنی در مدارس تعداد کل بندها: ۱۱۷۲												
نوع بند				زمان			قطبیت			نهاد		
پیشنهادی	امری	پرسشی	خبری	آینده	گذشته	کال	وچنانچه	منتهی	موج	فاز	تنبه	گوینده
۰	۱۵۰	۱۲	۱۰۱۰	۱۰۵	۱۷	۱۰۵۰	۶۰	۱۷۸	۹۳۴	۱۱۶۴	۴	۴
۰	%۱۲/۵	%۱/۵	%۸۶	%۹/۶	%۱/۴	%۸۹	%۵	%۱۵	%۸۰	%۹۹/۳	%۳/۵	%۳/۵

جدول ۳: تحلیل فرانش بینافرادی از کتاب کلیات تربیت بدنی در مدارس

همانطور که ملاحظه می‌کنید در میان انواع بند، بند خبری بالاترین درصد آماری را به خود اختصاص داده است، با توجه به جدول ۱ در بندهای خبری، صرفاً اطلاعات عرضه می‌گردد و با توجه به شکل ۲ جهت این اطلاعات یک سوپه و ایستا و با توجه به جدول فوق از سوی نهاد غایب است، نویسنده در ارائه این جملات از زمان حال مثبت با بسامد بسیار بالا استفاده کرده است. همانطور که پیشتر نیز گفته شد بسامد بالای بندهای خبری با ساختاری یکنواخت، به دلیل وجود تعامل یک سوپه در دراز مدت می‌تواند در امر ارتباط و در نتیجه تبادل معنا اختلال ایجاد کند و متن ملال‌آور و خسته‌کننده می‌شود. نمودار ستونی جدول فوق را در ذیل نشان داده شده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



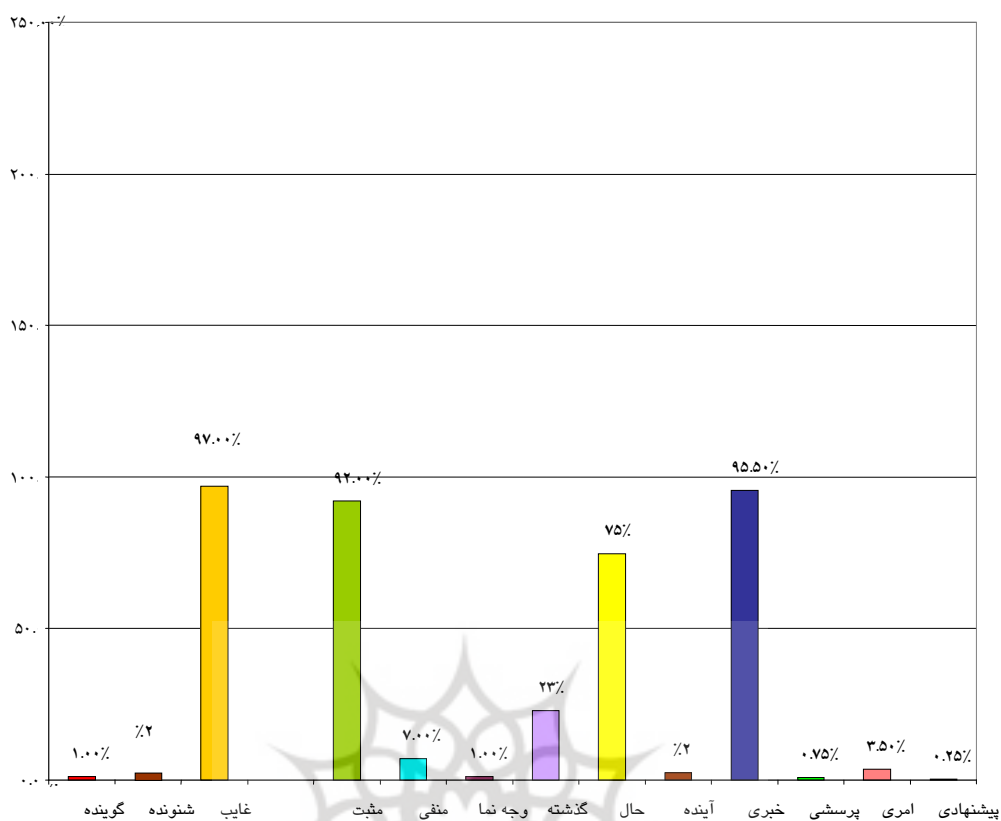
نمودار ۱: نتایج بدست آمده از بررسی ۱۱۷۲ بند در کتاب کلیات تربیت بدنی در مدارس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره تعداد کل بندها: ۹۸۳												
نوع بند				زمان			قطبیت			نهاد		
پیشنهادی	امری	پرسشی	خبری	آینده	حال	گذشته	وجه‌نمایی	منفی	مثبت	فایده‌پر	شنونده	گوینده
۲	۳۳	۷	۹۴۱	۲۵	۷۳۱	۲۲۷	۱۱	۶۸	۹۰۴	۹۵۴	۱۸	۱۱
٪.۲/۱۵	٪.۳/۱۵	٪.۱/۷/۱۵	٪.۹۵/۱۵	٪.۲	٪.۷۵	٪.۲۳	٪.۱	٪.۷	٪.۹۲	٪.۹۷	٪.۲	٪.۱

جدول ۴: تحلیل فرانشس بینافردی از کتاب مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره

در این کتاب نیز بندهای خبری در بین انواع بند با نهاد غایب، زمان حال و قطبیت مثبت دارای بالاترین بسامد آماری است، در این نوع بندها، با توجه به جدول ۱ صرفاً اطلاعات عرضه می‌گردد و با توجه به شکل ۲ تعامل یک سویه و ارتباطی با مخاطب برقرار نمی‌گردد. همانطور که پیشتر هم گفته شد بسامد بالای بندهای خبری با ساختاری یکنواخت در درازمدت منجر به گسسته شدن تعامل بین مخاطب و نویسنده می‌گردد. نمودار ستونی جدول فوق در شکل زیر موجود است:

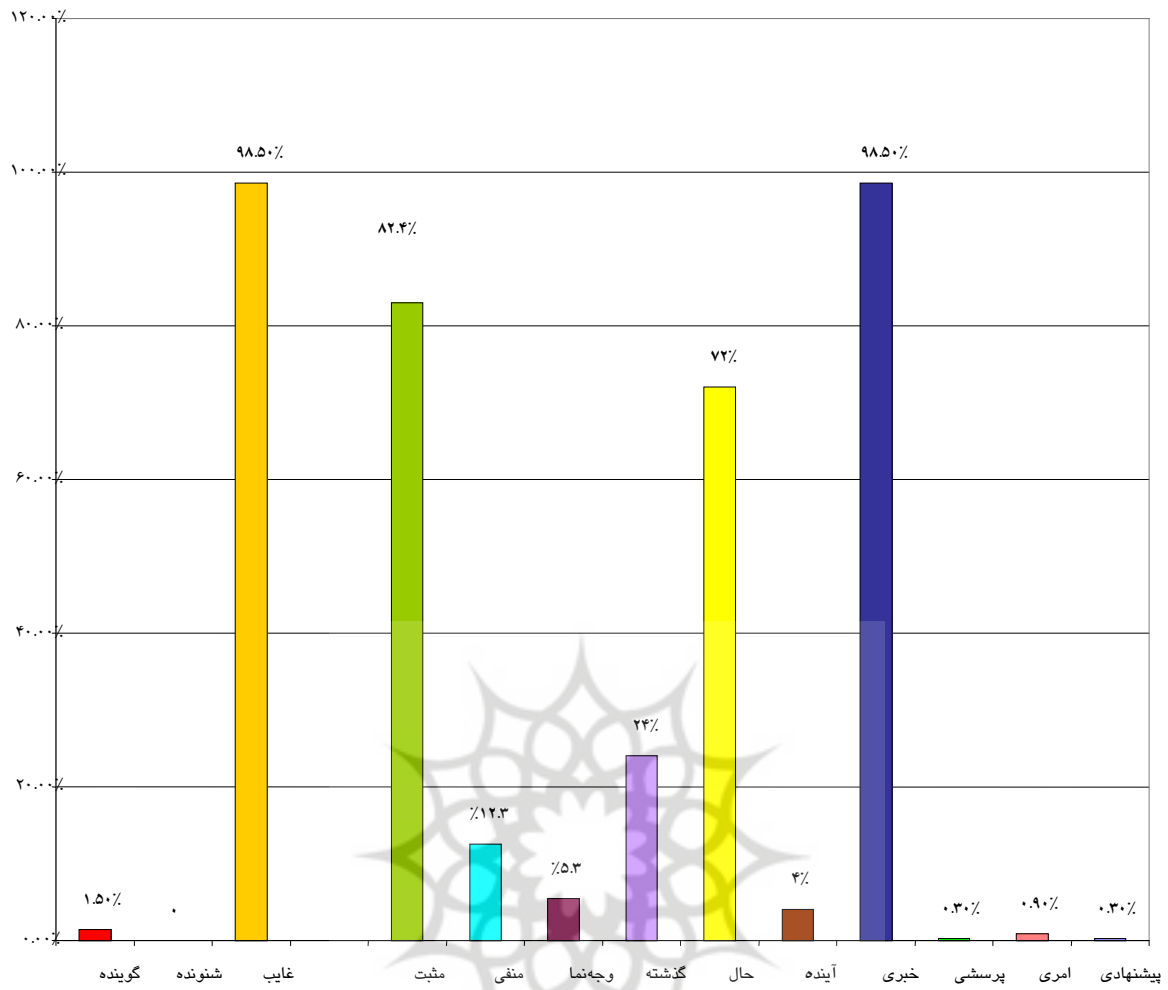


نمودار ۲: نتایج بدست آمده از بررسی ۹۸۳ بند در کتاب مبانی اصول راهنمایی و مشاوره

روانشناسی تفاوت‌های فردی تعداد کل بندها=۹۰۶												
نوع بند			زمان				قطبیت			نهاد		
پیشنهادی	امری	پرسشی	خبری	آینده	حال	گذشته	وجه‌نمایی	منفی	مثبت	فایده	شنونده	گوینده
۴	۹	۳	۸۹۱	۳۷	۶۵۲	۲۱۷	۴۸	۱۱۱	۷۴۷	۸۹۳	۰	۱۳
٪.۰۳	٪.۰۹	٪.۰۳	٪.۹۸/۵	٪.۰۴	٪.۷۲	٪.۲۴	٪.۵/۳	٪.۱۲/۳	٪.۸۲/۴	٪.۹۸/۵	۰	٪.۱/۵

جدول ۵: تحلیل فرانش بین‌فردی از کتاب روانشناسی تفاوت‌های فردی

همانطور که در این کتاب نیز ملاحظه می‌کنید درصد بندهای خبری با نهاد غایب در بالاترین حد خود (٪.۹۸/۵) است و نویسندگان این بندها را با بسامد بالایی در غالب زمان حال مثبت بیان کرده است. همانطور که پیشتر نیز گفته شد در بندهای خبری تعامل یک سویه است و یکنواختی این بندها در سطح کلان در دراز مدت موجب می‌شود مخاطب با آن ارتباط برقرار نکرده و در انتقال معنا خلل وارد شود. نمودار ستونی جدول فوق را می‌توانید در ذیل مشاهده کرد:

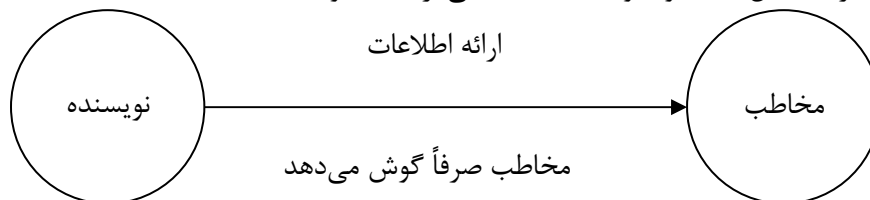


نمودار ۳: نتایج بدست آمده از بررسی ۹۰۶ بند در کتاب روانشناسی تفاوت‌های فردی

نتیجه‌گیری

در این مقاله تبادل معنا در کتاب‌های علوم انسانی از منظر فرانقش بینافردی دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلییدی بررسی شد. هلییدی معتقد است هدف اصلی زبان انتقال معنا است یعنی در تعامل؛ تبادل اصوات، کلمات یا جملات مد نظر نیست بلکه آنچه اهمیت دارد تبادل معنا است. طبق جدول ۱ در امر تعامل عرضه و تقاضای اطلاعات، کالا و

خدمات صورت می‌گیرد که از بر هم کنش آنها چهار نوع بند پیشنهادی، خبری، امری و پرسشی به‌وجود می‌آید. بر اساس شکل‌های ۱ الی ۴ به غیر از بندهای خبری در دیگر بندها تعامل دو سویه و پویا است یعنی مخاطب در آنها حضور فعال دارد، اما در بندهای خبری تعامل یک سویه و ایستا است یعنی از جانب نویسنده به سمت مخاطب است:



شکل ۵: تعامل در ارائه اطلاعات

بررسی حاصل از پیکره و جامعه آماری این تحقیق یعنی ۴۰ صفحه اول سه کتاب منتخب نشان می‌دهد (رجوع کنید به جدول‌های ۳، ۴، ۵) در این کتاب‌ها برای انتقال مفاهیم از بندهای خبری با بسامد قابل توجه و بسیار بالایی (بیش از ۰.۸۵) بهره گرفته شده است، طبق نمودار فوق در بندهای خبری تعامل یک سویه و ایستا است و مخاطب تنها به‌عنوان فرد منفعلی، نقش ایفا می‌کند که اطلاعات به او عرضه می‌گردد بدون آنکه فرصت شرکت مستقیم در تعامل را داشته باشد. در نتیجه استفاده از این بندها در متون درسی با سبکی یکنواخت و غیر متنوع در دراز مدت منجر به ناکارآمدی انتقال مفاهیم می‌شود. بر این اساس می‌توان برای تدوین کتب درسی با توجه به نظریه هلیدی روش ارتباطی را ارائه کرد؛ بدین معنا که از بندهای دارای تعامل دو سویه نسبت به بندهای دارای تعامل یک سویه بهره بیشتر و یا حداقل برابر برد تا مخاطب نیز فعال و پویا، مستقیماً با موضوع درگیر شده و با کتاب ارتباط برقرار کند تا بدین طریق نویسنده نیز به هدف خود که همانا انتقال مفاهیم است، برسد.

پی‌نوشت

۱. در صرف زبان فارسی شناسه سوم شخص مفرد نمود آوایی ندارد و به جای آن از این علامت استفاده شده است .

منابع

- احمدی، سید احمد (۱۳۸۶) مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره، چاپ پنجم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- رضاخانی، فرشته (۱۳۸۵) بررسی مجموعه فارسی بیاموزیم (آموزش زبان فارسی) از منظر فرانقش بینافردی بر اساس چارچوب نظری دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- شمس اسفند آباد، حسن (۱۳۸۶) روانشناسی تفاوت‌های فردی، چاپ سوم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- صافی، احمد (۱۳۷۹) بررسی نقش بینافردی در زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز، دانشگاه شیراز.
- کاووسی نژاد، سهیلا (۱۳۸۱) ساخت مبتدا- خبری در زبان فارسی و اهمیت آن در ایجاد انسجام متن: نگرشی نقش‌گرا، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تهران.
- میراحمدی، فرزاد (۱۳۸۳) بررسی نظام وجه زبان فارسی بر اساس چارچوب نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- نبوی، محمد (۱۳۸۱) کلیات ترتیب بدنی در مدارس، چاپ چهارم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

- Halliday, M.A.k. (1984a): Language as code and language as behavior: a systemic-functional interpretation of the nature and ontogenesis of dialogue. In:
Halliday, M.A.k. and Matthiessen (2004). An introduction to functional grammar, London: Oxford.
Martin, J.R. (1992) English text: system and structure. Philadelphia: John Benjamins publication company.